

علی بحرینی، هنرمند هنرهای تجسمی در کارگاه «همبستگی با غزه در قاب نقاشی»:

امید و انتظار کودکان غزه را به تصویر کشیدم



شکستن حصار غزه در حال حرکت به سمت غزه هستند و من امیدوارم این کشتی‌ها به زودی به غزه برسند و بخشی از مشکلات مثل آب و غذا حل شود.

بحرینی عنوان کرد: من با توجه به این مسئله روز این تصویر را کار کردم و بلوک‌های حائل غزه را به تصویر کشیدم. به عبارتی ابتدا در ذهنم تصویری از کشتی‌های همبستگی با غزه وجود داشت؛

■ **ناھید منصوری**

کارگاه «همبستگی با غزه در قاب نقاشی» با حضور جمعی از هنرمندان ایرانی و عراقی به همت حوزه هنری انقلاب اسلامی بر گزار شد. در این کارگاه، هنرمندان با خلق آثار تجسمی کوشیدند تا صدای مردم مظلوم غزه را در قالب هنر بازتاب دهند.

علی بحرینی، هنرمند با اشاره به اهمیت این تجربه مشترک اظهار کرد: ما به همبستگی میان هنرمندان همسو با جمهوری اسلامی در کشورهای مسلمان نیاز داریم. هنرهای تجسمی در کشور عراق، خیلی ریشه‌دار نیست و باید روی آن کار شود و در این بین این ارتباطات کمک می‌کند تا چنین اتفاقی رخ دهد و هنرمندان عراقی گام‌های جدی‌تری در عرصه تجسمی بردارند.

برگزاری این کارگاه نقطه‌شروع مبارکی برای گسترش همکاری‌ها و تبادل تجربه میان هنرمندان بود و امیدواریم این روند ادامه یابد. او درباره اثری که در این کارگاه خلق کرد نیز توضیح داد: این اثر واکنشی مستقیم به شرایط بحرانی غزه در دو سال اخیر است، جایی که مردم حتی از ابتدایی‌ترین نیازهای انسانی مانند آب و غذا محروم شده‌اند و حلقه محاصره غزه تنگ‌تر شده است. بر همین اساس هم در این روزها شاهد هستیم که چندین کشتی از ۴۰ کشور برای

■ **هنر دفاع مقدس**

هنر و ادب دفاع مقدس به روایت حوزه هنری

حماسه ۸ ساله همچنان در واژه‌ها، آواها و تصاویر نفس می‌کشد

دفاع مقدس، صرفاً یک مقطع تاریخی هشت ساله نیست؛ بستر شکل‌گیری و بالندگی فرهنگی است که پس از گذشت ده‌ها، همچنان در قالب‌های گوناگون هنری باز تولید می‌شود. حوزه هنری انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای فرهنگی کشور، در سال گذشته تلاش کرده است تا این میراث معنوی را نه فقط در قاب خاطره و روایت که در قالب‌های متنوع هنری، رسانه‌ای و سرگرمی برای نسل‌های تازه باز آفرینی کند. اولین هفته پاییز سالگرد آغاز جنگ تحمیلی و هفته دفاع مقدس است؛ ایامی که یادآور مقاومت مردمی و ایثار رزمندگانی است که با جان و ایمان خود از میهن دفاع کردند. به همین مناسبت نگاهی به عملکرد انتشارات سوره مهر، سازمان سینمایی سوره، مرکز موسیقی و مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری انداخته‌ایم.
مروری که نشان می‌دهد هر کدام چه سهمی در استمرار این جریان داشته‌اند.

■ ■ ■

■ **سوره مهر:** سنگر مکتوب روایت‌های جنگ انتشارات سوره مهر همچنان در خط مقدم نشر ادبیات دفاع مقدس قرار دارد. این انتشارات طی سال گذشته دهها عنوان تازه در حوزه‌های مختلف منتشر کرده است.

در حوزه خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی، آثاری چون «فانوسی که افسانه نبود» (حمید حسام)، «برادران قلعه فرموش» (ساسان ناطق) و «هن شهید نیستم» (اعظم پشت‌مشهدی) منتشر شدند. حسام در کتابش با شیوایی بدیع، داستان واقعی زندگی شهید حسن ترک را از زبان خود و با زاویه دید اول شخص روایت می‌کند. کتاب «برادران قلعه فرموش» نیز روایت واقعی ازاده طاهر اسداللهی از دوران اسارت در اردوگاه‌های عراق است. کتاب من شهید نیستم، خاطرات جانباز شیمیایی محمد میری را روایت می‌کند.

در بخش ادبیات داستانی، رمان‌هایی همچون «آثرا» (نیما اکبر خانی)، «هناسه» (راضیه پهرامی‌اد) و «کاماندان» (مصطفی جمشیدی) منتشر شدند. «آثرا» با لحنی زنز و لطیف داستانی پرماجرا از نبرد نیروهای ایرانی با گروه‌های تکفیری در سوریه را روایت می‌کند. رمان «هناسه» بر اساس یک داستان واقعی با نگاهی به زندگی یک خانواده عراقی و ظلم رژیم بعث عراق به گردنشینان و اهالی حلیجه نوشته شده است. اثر تازه سوره مهر «کاماندان» وایتی است معمایی و رازآلود از حوادث و چالش‌های پیش‌روی

■ **نمایشگاه**

«بسیجی» کلمه‌ای است که سال‌هاست در میان ما تکرار می‌شود، اما این تکرار گاه چنان بر دوش آن سنگینی کرده که معنای زنده‌اش زیر لایه‌ای از تصورات کلیشه‌ای پنهان مانده است. وقتی چشم می‌بندیم و بسیجی را تصور می‌کنیم، هر کس تصویری آماده در ذهن دارد: برای یکی جوانی است با لباس خاکی و محاسنی ژولیده. برای دیگری یادگار روزهای همت و باکری. گاه به تندی و سخت‌گیری تقلیل پیدا می‌کند. همین قالب‌های از پیش‌ساخته، همان نقابی است که اجازه نمی‌دهد چهره واقعی بسیجی را بشناسیم. ■ ■ ■

سیدمحمدرضا میری در نمایشگاه تاداش در فرهنگسرای نیاوران درست سراغ همین نقطه رفته است. او با قلم‌مو و رنگ، تلاش کرده این نقاب را کنار بزند و بسیجی را در گستره‌ای وسیع‌تر به ما معرفی کند؛ بسیجی‌ای که ممکن است میرزا کوچک‌خان باشد در جنگل‌های گیلان یا نواب صفوی در میدان اعدام یا حتی دختری ناشناس در خیابان‌های نیویورک که پرچم فلسطین را بالا برده است. میری از دل همان نسلی بر خاسته که انقلاب را از نزدیک لمس کرده بود.

در کودکی تصویر امام خمینی را بر کاغذ آورد و در میان فرزندان



نیروی اطلاعاتی ایرانی در دل بغداد در مواجهه با افسر باغی و عاشق عراقی.

در حوزه ادبیات کودک و نوجوان نیز کتاب‌هایی چون «ما و عروسک پارچه‌ای» و «دست‌ها پشت گردن» (یوسف قوجق) ازسوی نشر مهر ک منتشر شد.

قوجق در این آثار با زبان ساده و تصویرگری دلنشین، قهرمانان کوچک و رابطه کودکان با فضای جنگ را بازآفرینی می‌کند. این کتاب‌ها برای نسل تازه فرصتی فراهم می‌کنند تا مفاهیمی همچون دلبستگی، ایثار و شجاعت را در قالبی داستانی و کودکانه لمس کنند.

■ **سازمان سینمایی سوره:** پرده نقره‌ای در خدمت حماسه

سینما یکی از اصلی‌ترین رسانه‌هایی است که دفاع مقدس را برای نسل‌های متوالی بازنمایی کرده است. سازمان سینمایی سوره در سال‌های گذشته تولیدات شخصی داشت.

فیلم سینمایی «ص» که با محوریت زندگی شهید علی هاشمی ساخته شد، یکی از مهم‌ترین آثار سال بود. این فیلم بر بُعد شخصیتی و انسانی شهید هاشمی و انتظار ۲۱ ساله مادر او برای پیدا شدن پیکر مطهرش می‌پردازد؛ شخصیتی که با ایمان و هوش نظامی خود نقش مهمی در دفاع از میهن ایفا کرد. در همین راستا، مرکز سریال سازمان سینمایی سوره پروژه «پسران هور» را آماده بخش کرد. این سریال در قالب داستانی بلند و اپیزودیک به روایت زندگی شهید هاشمی و یارانش در قرارگاه نصرت و زحمات آنها در طراحی و اجرای عملیات آبی - خاکی خیر می‌پردازد و قرار است نسل تازه را از طریق کلی



تولیدیونی با چهره‌های برجسته جنگ آشنا کند. در حوزه فیلم کوتاه و مستند نیز آثاری چون «نوشابه مشکی» و «آستین خالی» تولید شدند. «نوشابه مشکی» با نگاهی متفاوت و زبانی طنز به نحوه شهادت یک رزمنده در عملیات بدر می‌پردازد.

نمونه‌ای موفق از ارائه روایت‌های نوین در هنر انقلاب اسلامی است. آثار ارائه‌شده در نمایشگاه «بسیجی» با قدرت و جسارت خلق شده‌اند و نشان دادند که می‌توان با زبان هنر، معنای واقعی

بسیج را بازتاب داد. بحرینی تأکید کرد: نمایشگاه بسیجی نشان داد که هنر ارزشی همچنان پویاست و ظرفیت بالایی برای بیان مفاهیم انقلابی دارد. این هنرمند اظهار کرد: برپایی این نمایشگاه در واقع قدم بسیار مهمی بود؛ ما به حرف‌های نویی نیاز داریم که از دل هنر انقلاب اسلامی برآمده باشد.

وی درباره مهم‌ترین ویژگی بسیجی تشریح کرد: بسیجی را نباید از آحاد جامعه جدا کنیم، چراکه همه مردم بسیجی هستند. ما در جنگ ۱۲ روزه دیدیم که همه مردم پای کار انقلاب اسلامی بودند حتی کسانی که نگاه مخالف داشتند در جایی که ایران مطرح شد در کنار هم متحد ماندند و بسیجی‌وار عمل کردند. بسیجی‌ها در زمان جنگ هشت ساله هم با عامه مردم هیچ تفاوتی نداشتند. بحرینی گفت: هنرمندان باید به‌روز باشند و نگاه روزمارانه به اتفاقات پیرامون داشته باشند و برای ارزش‌های انقلاب اثر خلق کنند.

■ **فاطمه قربانی**

طنز نگاه کردن به رنج‌ها، یکی از ستودنی‌ترین توانایی‌های انسان است. اینکه در دل سختی‌ها و روی ویرانه‌های زندگی همچنان بتوان لبخند زد، شاید شگفت‌انگیزترین نوع مقاومت باشد. ما ایرانی‌ها هم مثل هر انسان دیگری کم‌خاطره تلخ و دردناک نداریم؛ نه فقط به‌خاطر تولد در این جغرافیای خاص یا بودن در برهه حساس کنونی - که البته هر سال تمدید می‌شود- بلکه چون اصل زندگی انسانی پر از دشواری‌هاست، اما آنچه این تلخی‌ها را قابل تحمل می‌کند، مهارت ما در روایت‌شان با زبان طنز است. همین شوخ‌طبعی است که از دل رنج، خاطره می‌سازد و حتی دیگران را در تجربه‌ای مشترک با خود همراه می‌کند.

«ما اینگونه ما شدیم» نوشته بهداد دالوندی، ناداستانی طنز از زندگی یک دهه نضتی متولد ۵۸ است که معتقد است برای دهه شصتی بودن نیازی نیست در پاره خال‌سال‌های ۶۰ تا ۶۹ به دنیا آمده باشید، تنها حضور یک «شست‌تقدیر» به‌جای دست تقدیر در متن زندگی شما کافی است تا شما را فارغ از سال تولدتان به آغوش خوشبختی ۶۰ بکشاند.

این کتاب مجموعه‌ای از خاطرات شخصی نویسنده از دوران کودکی و نوجوانی با تجربه‌های خانوادگی و اجتماعی اوست. روایت از لحظه تولد و آشنایی با خانواده آغاز می‌شود و به تدریج به ماجراهای تربیتی و زیستی او می‌رسد. دالوندی در این مسیر، پیچ‌وخم‌های زندگی خود را با زبانی ساده، صمیمی و سرشار از شوخ‌طبعی بیان می‌کند.

هر چند موضوع اصلی نوشته‌ها اغلب سختی‌ها، کمبودها و رنج‌هاست، اما در روایت طنزآلود نویسنده، همین تلخی‌ها به داستان‌هایی سرگرم‌کننده و خنده‌بدل می‌شوند. دالوندی با اغراق و بازی با تناقض‌ها، موقعیت‌های تلخ را به‌صحنه‌های کمدیک بدل می‌کند؛ چنانکه کل کتاب بیشتر شبیه یک لطیفه بلند ۷۰ صفحه‌ای به نظر می‌رسد تا شرح یک زندگی پر مشقت.

اصولاً ماجراهای زندگی در دهه ۶۰ ایران سوره خوبی برای طنزپردازی هستند؛ از صف‌های بی‌پایان شیر و کوبین گرفته تا صدای موشک‌ها و خاموشی‌های مداوم برق. آن روزها همه چیز آنقدر عجیب و غریب بود که انگار خود زندگی دست‌به‌کار شده بود تا برای آیندگان داستان و برای اهالی زمانه خودش جوک بسازد. حتی ساده‌ترین کارهای روزمره، مثل خرید نان یا رفتن به مدرسه، می‌توانست به یک شوخی تبدیل شود. البته فارغ از تمهیدات زندگی، ما ایرانی‌ها همیشه در ساختن لطیفه از بحران استاد بوده‌ایم و این استعداد از گذشته تا به امروز، ادبیات و فرهنگ شفاهی ما را از بیان‌های طنزآمیز و کنایه‌های خلاقانه کرده است. این ویژگی شاخص در «ما اینگونه ما شدیم» نیز به واسطه شرح شوخ‌طبعانه از تجربه زیسته نویسنده ظهور و بروز پررنگی داشته است. نوشتن از خاطرات تاریک حاصل از قطعی برق، فرایند گیج‌کننده نامگذاری فرزندان، خودروهایی با ظرفیت چهار نفر که چیزی بالغ بر ۱۲ نفر را در خود جا می‌دادند، امکانات ضعیف آموزشی و اوضاع دشوار اقتصادی، از جمله بخش‌های مهم این کتاب بودند که اگرچه متعلق به تجربیات نسلی خاص بود، اما محدود به فهم آنها نبود.

با وجود اینکه نویسنده در بیشتر صفحات کتاب، خواننده را با روایت خاطره‌محور خود همراه می‌کند، پایان کتاب به نوعی ناگهانی و شتاب‌زده به نظر می‌رسد. اگرچه مخاطب از ابتدا با داستان‌هایی پرماجرا و لحنی سرزنده روبه‌روست، ناگهان با اتمام روایت مواجه می‌شود. گویی نویسنده به دلایلی دیگر، از ادامه کار بازمانده است. این پایان‌بندی کوتاه و سریع، حس تمام‌شدگی طبیعی یک داستان مهیج را منتقل نمی‌کند و خواننده را با نوعی بلاتکلیفی از ماجرا مواجه می‌کند که همین؟ تمام‌شد؟

از سوی دیگر، این شتاب در پایان می‌تواند بهانه‌ای باشد برای بازاندیشی، نویسنده می‌توانست با اضافه کردن چند خاطره کوتاه، یا با ایجاد یک جمع‌بندی ملموس از تجربه نسلی خود، حسن انسجام بیشتری به روایت بدهد و مخاطب را آرام‌آرام از فضای طنزآلود و پرهیجان کتاب خارج کند. به عبارت دیگر، پایان کتاب فرصتی بود تا همان رندی که در طول متن دیده می‌شد، به نوعی جمع‌بندی شود و خواننده را با حس رضایت از تجربه خواندن تنها بگذارد.

با این حال، این نقطه ضعف در پایان کتاب، باعث کاهش ارزش کل اثر نمی‌شود، بلکه می‌تواند به عنوان نقطه‌ای برای بازنگری نویسنده در نگارش آثار آینده تلقی شود و یادآوری کند که حتی در آثار خاطره‌محور و طنزآمیز، پایان‌بندی نقش کلیدی در کامل شدن تجربه خواننده دارد.

در پایان، «ما اینگونه ما شدیم» بیشتر از اینکه یک خاطره باشد، یک بازی طنزآمیز است با تلخی‌های زندگی؛ جایی که حتی تنبیهات بدنی مدرسه به بهانه‌ای برای خنده بدل می‌شوند. پایان ناگهانی کتاب شاید کمی تعجب‌برانگیز باشد، اما کل داستان خواننده را با حسنی خوشبختانه و ذهنی بسر از تصاویر عجیب و غریب رها می‌کند؛ انگار که زندگی پریده باشد وسط داستان با دستپاچی گفته باشد: «بس کن تا همین جاکافی است!»



آوینی و طالب‌زاده دیده می‌شوند؛ یکی با روایت فتح، دیگری با مستندهایش. دو چهره‌ای که نشان می‌دهند بسیجی بودن تنها در سنگر خاکی تعریف نمی‌شود، بلکه عرصه فرهنگ نیز میدان جهاد است. در ادامه، نقاش سری هم به علم زده و شهید فریدون عباسی دلواری را بر تو در دست، میان نخل‌ها می‌درخشد؛ چهره‌ای که غرور خلیج فارس در آن موج می‌زند و تداعی‌گر همان مردی است که گفت: «خانه ما کوه است.»

نمایشگاه تنها به مبارزان نظامی نبرداخته، بلکه در قاب‌های دیگر